

هرسخن جا و هر نکته مکانی دارد

امیر فیض- حقوقدان

در مکاتبات بین آقای مهندس روحانی و جاوید ایران موضوع سکوت در اشعار سعدی به بحث مقابل قرار گرفته است و جاوید ایران تمایل داشته بنده هم وارد شوم.

بیت معروف حافظ که میگوید <هرسخن جانی و هر نکته مکانی دارد> یعنی در شرائط مبارزه که میهن پرستان ایران محاط بر آن هستند، جانی برای سخنی بغیر از مبارزه سیاسی فلسفی نیست.

مبارزه سیاسی مانند جنگ فیزیکی است؛ هر حمله ای را باید جواب متناسب و سنگین داد باید اتهامات و غرض ورزی ها را چنان کوبید که مهاجم از خط بیرون شود. **سخنهای ادبی و بحث های عاطفی و اخلاقی که در دریانی بی انتها غوطه وراست بحثهای حاشیه ای است که بحث های اساسی را در خود غرق میکند.**

در شرایطی که هاله های تجزیه کشور در لاف موافقت جمهوری اسلامی بسته بندی میشود و ملاحظه هم دارید که بخش عمده ایرانیان خارج، فعال در این امر هستند، هر لحظه از زمان مبارزه و حیات فردی ما باید صرف مبارزه و جلوگیری از بروز فاجعه ای گردد که در شرف وقوع است.

زمانی که افغان ها به اصفهان حمله کردند آخوند ها برای اینکه مردم از خطری که ایران را تهدید میکرد غافل بمانند بحث قدیم و یا جدید بودن قرآن را مطرح کردند.

گاه طرح این بحثهای حاشیه ای با قصد خاص است چنانکه در حمله افغان ها به اصفهان بود و گاه از سر میل مفرط به مطرح بودن.

بهر حال طریق مزبور، طریق آزمایش شده ای است برای صرف فرصتها در جهت های بیهوده و بازماندن از مسیرهای تکلیفی و مقدم بر هر چیز.

اینجانب احساس مسئولیت میکنم که با جواب به اعلامات و ادعاهای آقای مهندس روحانی موجبات حاشیه کشی فراهم شد.

هر چه فکر میکنم در تحریر (اصرار به خیانت) خطائی نبود که کار به اینجا کشیده شود. موضوع خیلی ساده بود که، نمیتوان و نباید اتهام خانن رابه کسی زد نمیتوان شخصیت و اعتبار و لباس (امتیازات) افراد را من ها در آورد نیاز به حکم دادگاه و طی مراتب و قطعیت حکم دارد و اجرای آنهم در اختیار من ها نیست. در اختیار مجریان است که به آن نحوی که قانون گفته اجرای حکم کنند.

من ها در جوامع حقوقی متری، مهارقانون هستند وحتی شلوارخودشان را هم به میل خودشان در هر کجا نمیتوانند پائین بکشند.

اگر تحریر مزبور برای بیان این دو کلمه چندین صفحه داشت، برای این است که گفته اند نرود میخ آهنین درسنگ، شاعری هم در تقابل گفته؛ که گفته <نرود میخ آهنین درسنگ – میرود بقوت مته درسنگ>

بنده خواستم که ان دو کلمه را بقوت آن تفصیل، بجای مته بکار گرفته باشم ولی ظاهرا اینطور نمایان است که آن سنگ از آن سنگهائی است که بقوه مته هم نمیتوان با اصول آگاهش ساخت.

اشعار صوفی و درویش مآبانه آقای مهندس روحانی را خواندم اقتباس از جمال صالحی است این قبیل اشعار، همانند:

بنشین کنار آب و گذر عمر به بین کاین اشارات ز جهان گذران مارابس

در این ایام نه آنکه مطلوب نیست بسیار هم مضراست.

با احترام